



CrossConnect  
MINISTRIES

# محبت خداوند، حیات ما

جلد دوم

جکی اوسچ

داستان محبت

از انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا

درس ۱: بنگر پسر تو – سرمشق من، عیسی

درس ۲: خدای من، خدای من – فراموش شده

درس ۳: برو و بگو – او برخاسته است!

درس ۴: و چشمان ایشان باز شد – روز قیام

درس ۵: من تو را می فرستم – آرامش من، عیسی

درس ۶: آیا تو مرا دوست داری؟ – گوسفندان مرا غذا بده

درس ۷: به تمام دنیا برو – فرمان عیسی

«من کلام تو را در قلب خود نگاه داشته‌ام...» (مزمور ۱۱۹: ۱۱)

# درس اول

## بنگر، پسرِ تو

لوقا ۲۳ و یوحنا ۱۹ – عیسیٰ سرمشق من

---

### بررسی اجمالی درس ۱

بررسی

مقدمه

درس ۱: لوقا ۲۳، یوحنا ۱۹

- نخستین کلمات از روی صلیب
- اول پطرس ۲: ۲۰-۲۳ – عیسیٰ، سرمشق ما
- عیسیٰ، مجرم بی گناه
- پسر پر احساس
- محبت کن

## مقدمه

عیسی مصلوب شد و بدنش از درد فرسوده گشت. نفس کشیدن برایش مشکل شد. دهانش خشک بود. بدن خون‌آلودش از صلیب آویخته و در معرض تماشای دنیا قرار گرفت. اما علیرغم همه اینها تحمل می‌کرد زیرا بایستی کاری را به پایان می‌رساند. گوش کنید هنگامی که در حال شکنجه غیر قابل تحملی قرار می‌گیرد، چه می‌گوید. «پدر، ایشان را ببخش!» «امروز تو با من خواهی بود»، «مادر، بنگر، این پسر توست»، عیسی به شاگردان گفت که آنها پدر را دیده‌اند، زیرا که او را دیده‌اند (یوحنا ۱۴: ۹). این سخنان عیسی را در نظر آورید و به وجود پدر او پی ببرید. پس می‌توانیم بگوییم «پسر مانند پدر» است.

سال‌ها قبل عیسی از دوازده نفر درخواست کرد که به دنبال او بروند و به آنها قول داد که آنها را صیادان انسان‌ها می‌سازد. حتی روی صلیب نمونه‌ای از خود به آنها نشان داد. از طریق رساله پطرس (اول پطرس باب ۲) دعوت او را می‌شنویم و توسط پطرس تشویق می‌شویم که از او پیروی نماییم، حتی با تحمل سختی‌ها و مصلوب شدن. کسی که ما را دعوت به پیروی می‌کند، چیزی بیشتر از آنچه که خود تحمل کرد درخواست نمی‌نماید. از عیسی می‌آموزید که چگونه در این مسیر دردناک مقاومت کرد.

برای آنچه که عیسی با محبت و مرگ خویش در مورد شما به جان خرید، ارزش قائل شوید. از او با قلبی سپاسگزار تشکر نمایید. زیرا او مجرم بی‌گناهی بود که شرم و خطاهای ما را بر خود هموار ساخت و این اراده خداوند بود که «به خاطر ما او را که گناهی نداشت، گناهکار ساخت تا در او در نظر خداوند عادل شمرده شویم.»

## درس ۱

### بخش ۱

**مقدمه:** عیسی از ۹ صبح (سومین ساعت - مرقس ۱۵: ۲۵) تا ساعت ۳ بعدازظهر (نهمین ساعت - مرقس ۱۵: ۳۴) روی صلیب بود. نویسندگان انجیل گزارش دادند که عیسی هفت مرتبه در حالیکه روی صلیب بود، صحبت کرد. ما به طور خلاصه به سخنان عیسی روی صلیب می‌پردازیم. باز هم شما را تشویق می‌نماییم که به صلیب نزدیک‌تر شوید. عیسی ضعیف و نزدیک به مرگ است. ممکن است شنیدن سخنانش دشوار باشد، اما می‌خواهیم آنچه را که می‌گوید بشنویم.

**تکلیف:** لوقا ۲۳: ۳۴ را مطالعه کنید. دوباره، عیسی چه می‌گوید؟

---

### تمرین:

۱- لوقا اولین کلمات عیسی را بلافاصله پس از آنکه میخ آهنین دست و پای او را سوراخ کرد، ثبت کرده است. (به احتمال قوی، میخ آهنین از میان استخوان مچ دستش عبور کرد). صلیب را در سوراخی که حفر کرده بودند قرار دادند که بدن زخمی و ضعیف او را به پایین می‌کشانید و پوست بدنش را بیشتر از هم می‌درید. و اولین کلماتی که از دهان عیسی خارج می‌شود این است: «پدر \_\_\_\_\_ آنها را.»

۲- تاریخ به ما می‌آموزد که آنهایی که به صلیب کشیده می‌شوند به نحوی شرم‌آور و برهنه در معرض دید عموم قرار می‌گرفتند. می‌توان تصور کرد که برای عیسی چه تلخ و دردناک بود زیرا سربازانی که در حوالی صلیب بودند، برای تقسیم لباس‌های او در میان خود قرعه‌کشی می‌کردند (آیه ۳۴). از عیسی چیزی باقی نماند. واقعا همه چیز را از دست داد و با اینحال برای دشمنانش دعا می‌کرد: «پدر \_\_\_\_\_ آنها را زیرا آنها \_\_\_\_\_ نمی‌دانند چه کار می‌کنند.»

\_\_\_\_\_ آنها چه کار می‌کردند؟

عیسی از پدرش خواست که آنهایی که تنها پسرش را به صلیب کشیده بودند، ببخشد.

**بازتاب:** وقتی که فکر می‌کنیم، خیلی آسان است که از خود بپرسیم: «من چه کار کردم؟» اما آیا باید این سوال را از خود بکنیم؟ اما باید سکوت کرده و به آنچه که عیسی انجام داد تفکر کنیم. عیسی گناهی نکرد. عیسی پیروان خود، پیلاتوس و یا هر کس دیگری را فریب نداد. او همان کسی بود که خودش گفت هست. عیسی خشمگین نشد و یا کسانی را که به او

اهانت می کردند، تهدید نکرد. بلکه «خود را به دست کسی سپرد که به درستی قضاوت می کند» (اول پطرس ۲: ۲۲-۲۳).  
شما چه فکر می کنید؟

---

---

---

---

## بخش ۲

### کاربرد:

۱- کاری که عیسی کرد چه معنی و مفهومی در زندگی من دارد؟ به خواندن اول پطرس ۲: ۲۴ ادامه دهید.

---

۲- در اوائل خدمتش تعلیماتی داد که به نام موعظه سر کوه شناخته شده است. این موعظه در متی ۵، ۶ و ۷ ذکر شده است. تعلیمات عیسی را در متی ۵: ۴۴ بخوانید. «اما من به شما می‌گویم»

---

۳- آنچه عیسی آموخت، راه رسیدن به پادشاهی نوینی بود که او برقرار می‌کرد و نمونه‌ای به همه ما نشان داد که ما باید دشمنان خود را \_\_\_\_\_ همانطور که او \_\_\_\_\_ دشمنان خودش را و برای شان دعا کرد. عیسی تصویر دقیق و درست خود خداوند برای همه ما بود. او محبت بدون قید و شرط پدر را از منعکس نمود زیرا به عنوان پسر کامل خداوند آمد.

۴- از آنجا که عیسی نمونه‌ای برای زندگی روزمره به من نشان داد، از چه راهی خدا ممکن است زندگی مرا به کار گیرد تا تصویر او را از خود به اطرافیانم منعکس سازم؟

---

**به خاطر سپردن:** عیسی سرمشق ما شد. نمونه او الگویی است که ما باید آن را به کار ببریم. پطرس در کتاب اول پطرس ۲: ۲۰-۲۱ به ما چه می‌گوید؟ «... اگر وقتی که شما انجام دهید \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ برای آن، شما \_\_\_\_\_ ، این است یک \_\_\_\_\_ چیز در نظر \_\_\_\_\_ . زیرا برای این خوانده شده‌اید، زیرا \_\_\_\_\_ همچنین رنج برد برای \_\_\_\_\_ ، یک \_\_\_\_\_ به جا گذاشت، تا شما بتوانید \_\_\_\_\_ در قدم‌های او.» این آیه را روی کارت یادداشت بنویسید و فکر کنید که چه معنی‌ای برای شما دارد.

- رنج بردن برای انجام کار درست
- با صبر و حوصله رنج را تحمل کردن
- برای قدوسیت و عدالت به درد کشیدن دعوت شدن
- در راه‌های او قدم گذاشتن

**دعا:** با در نظر گرفتن و تفکر درباره نمونه عیسی در اول پطرس ۲: ۲۰-۲۴ دعای خود را بنویسید.

---

---

---

---

### بخش ۳

**مقدمه:** عیسی برای دشمنانش دعا کرد و حال لوقا به ما این موقعیت را می‌دهد که به گفتگوی خصوصی بین عیسی و یکی از مجرمین گوش فرا دهیم. در آغاز هر دو مجرم به او اهانت کردند (متی ۷: ۴۴). حال در لوقا ۲۳: ۴۰ می‌شنویم که یکی از آنها به دیگری نهیب می‌زند و از یک سو به سوی دیگر عیسی به او می‌گوید. به دقت گوش دهید...

**تکلیف:** لوقا ۲۳: ۴۰-۴۱ را بخوانید.

**بازتاب:** یک مجرم به دیگری می‌گوید «ما استحقاق تنبیه را داریم زیرا سزای اعمال خود را می‌بینیم.» این مرد به گناه خود اعتراف کرد و پذیرفت که اشتباهی مرتکب شده است و از این رو سزاوار عقوبت، حتی مردن است. او دریافت که به بخشش نیاز دارد و به عیسی گفت: «مرا به خاطر بیاور...» مرا ببخش.

**کاربرد:** من چطور؟ به کدام یک از مجرمین شباهت دارم – به مجرمی که باز هم به عیسی اهانت می‌کرد و عقیده داشت که او گناهی مرتکب شده که هنوز روی صلیب است، یا مجرم دیگر که از عیسی خواست او را به خاطر آورد زیرا می‌دانست که به نجات‌دهنده‌ای نیاز دارد؟

---

---

**بازتاب:** یکی از گناهکاران به دیگری گفت: «اما این مرد هیچ تقصیری ندارد.» که باز هم بی‌گناهی عیسی تشخیص داده شد. پیلاتوس او را بی‌گناه دانست و این مجرم نیز به بی‌گناهی او اعتراف کرد. او بی‌گناه است!

### کاربرد:

۱- آیا مشتاق هستم که عیسی را بی‌گناه بدانم و به بی‌گناهی او نزد دیگران اعتراف کنم؟ آیا مایلیم که او را به خاطر آنچه در زندگی‌ام روی داده است سرزنش نمایم، گویی که تقصیر او بود؟

---

---



۲- چگونه زندگی من، عقیده مرا نسبت به حقیقت وجود او منعکس می‌سازد؟

---

## بازتاب:

۱- و سپس، مجرمی که از گناه خود توبه نمود، مسئله عمیقی را اظهار می‌کند. او می‌گوید: «وقتی که به پادشاهی خود وارد می‌شوی مرا به خاطر آور.» این مرد چشمان خود را به این واقعیت که عیسی پادشاه است کاملاً باز نمود. او اهانت‌ها را شنید و آنهایی که عیسی را به عنوان پادشاه اسرائیل به تمسخر گرفتند، دید. نوشته‌ای که روی صلیب عیسی قرار داشت این بود: «عیسای ناصری، پادشاه یهود» (یوحنا ۱۹: ۱۹). علیرغم تمام اهانت‌ها و تمسخرها، این مرد پادشاه بودن عیسی را اعتراف کرد.

۲- و عیسی به میل خود این مجرم را که اعلام کرد او پسر خدا، پادشاه اسرائیل، پادشاه یهود است، بخشید. زیرا این کار عیسی، پدر آسمانی او را که همه از طریق پسرش بشناسند، جلال می‌دهد. کسی که برای نجات همه و شناختن این واقعیت آمده است (اول تیموتائوس ۲: ۴).

**کاربرد:** آری، عیسی پادشاه اسرائیل است. عیسی می‌خواهد شاه من باشد. آیا من نیز مانند این مرد بی‌گناهی عیسی را دریافته و اعتراف می‌کنم؟ آیا از او می‌خواهم که مرا به یاد آورد و ببخشد؟ آیا به پادشاهی او اعتراف می‌کنم و اعلام می‌نمایم که او خدای زندگی من است؟ بالاتر از همه، آیا می‌توانم بشنوم که عیسی به من می‌گوید: «امروز تو با من در بهشت خواهی بود.»

---

---

---

**دعا:** با تامل بر کلماتی که عیسی به آن مجرم گفت، دعای خود را بنویسید، «امروز تو با من در بهشت خواهی بود.»

---

---

---

**تکلیف:** یوحنا ۱۹: ۲۵-۲۷ را مطالعه کنید. یوحنا تنها نویسنده انجیل است که درباره این کلمات سخن می گوید. این کلمات برای افرادی است که برای عیسی بسیار عزیزند، مانند مادرش و «شاگردی که عیسی دوست داشت» (یوحنا ۱۳: ۲۳). شاگردی به نام یوحنا.

**سوال:** عیسی به مادر خود چه گفت؟

---

عیسی به یوحنا چه گفت؟

---

### تمرین:

۱- چه کسی در اطراف صلیب آمده بود؟ (آیه ۲۵)

---

۲- عیسی چه کسی را دید؟ (آیه ۲۶)

---

۳- چه کسی در آن نزدیکی ایستاده بود؟ (آیه ۲۶)

---

۴- عیسی مادر را به پسر، و پسر را به مادر می سپارد. پس از آن در آیه ۲۷ چه می خوانیم؟

---

---

---

## بخش ۴

### بازتاب:

۱- عیسی خیلی به مرگ نزدیک است و درد شدیدی را تحمل می‌کند. در این حالت، مادرش را می‌بیند که احتمالاً نزدیک به پسرش که در حال مردن است، ایستاده است. عیسی متوجه شد که یوحنا نیز در آن نزدیکی ایستاده است. مریم در شرایط بسیار ناراحت‌کننده‌ای قرار دارد. مادری که می‌خواهد سر خون‌آلود پسرش را که در حال مرگ است در آغوش گیرد و صورت خون‌آلودش را لمس کند. مادری که می‌خواهد بدن خرد شده پسرش را تسکین دهد و درد و شکنجه او را به جان گیرد. ولی عیسی روی صلیب است. مریم اندوه سنگینی در دل دارد. در لوقا ۲: ۳۵، وقتی که مریم و یوسف عیسی را به معبد بردند، شمعون به مریم گفت که

۲- گفته می‌شود که عیسی مادر خود و دوستش را دید. چشمان عیسی آنها را دید و قلبش نسبت به آنها پر از محبت شد.

الف. در متی ۹: ۳۶ عیسی دید که \_\_\_\_\_ او به آنها \_\_\_\_\_ داشت. زیرا آنها \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ بودند و \_\_\_\_\_ مانند \_\_\_\_\_ بدون یک \_\_\_\_\_.

ب. در متی ۱۴: ۱۳-۱۴ می‌آموزیم که عیسی به گوشه‌ای ساکت و تنها پناه برد... اما وقتی که به آن سوی دریاچه رسید، جمعیتی را دید و نیازمندی خود را کنار گذاشت. \_\_\_\_\_ او برای مردم، عیسی را بر آن داشت که \_\_\_\_\_.

پ. محبت ریشه و اصل شخصیت خداوند است. در خروج ۶: ۳۴ خدا درباره خود چه می‌گوید؟ «خدا \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ هست» و در خروج ۲۲: ۲۷ چه چیز دیگری خدا درباره خود می‌گوید؟ \_\_\_\_\_

ت. از عیسی می‌آموزیم که محبت از درون وجود جاری می‌شود و نه از شرایط خارجی. عیسی طبیعتاً پر از محبت بود و این شخصیت ذاتی او است. با در نظر گرفتن این امر، باز هم تفکر دشواری است که با همه این دردها در لحظه‌ای در حال مردن بود به مادرش و دوستش می‌اندیشید. و این نمونه‌ایست که عیسی به ما نشان می‌دهد.

**کاربرد:** پولس رسول ما را تشویق می‌نماید که ما نیز به عنوان قوم خداوند محبت داشته باشیم. ما به عنوان قوم محبوب خدا در کولسیان ۳: ۱۲، به انجام چه عملی تشویق شده‌ایم؟ \_\_\_\_\_

خود را با...

---

---

---

---

---

---

**به حافظه سپردن:** کولسیان ۳: ۱۲ آیه جدیدی است که توصیه می‌شود به خاطر بسپاریم. این آیه به یاد ما می‌آورد که ما به شباهت خدا خلق شدیم (پیدایش ۱: ۲۷)، شباهتی که ما را قادر می‌سازد او را از خود منعکس نماییم. عیسی با محبت به مردم نگاه کرد و دید که چگونه در غم و اندوه و درد به سر می‌برند. از روی محبت به آنها نگاه کرد و نیازمندی خود را نادیده گرفت تا محبت خود را به هر یک از آنها نشان دهد که باز هم نمونه و سرمشق ما در هر قدم است (اول پطرس ۲: ۲۱).

**پرسش:** با گذشتن از نیازمندی‌های خود و محبت کردن به دیگران، زندگی من چگونه به نظر می‌رسد؟

**دعا:** محبت داشتن یکی از خصوصیات عیسی، تنها پسر خداست. از خدا بخواهید که قدرت محبت را به شما عطا کند. از خدا بخواهید که قلبی پر از محبت برای دیگران به شما ببخشد. از خدا بخواهید که به شما توانایی آن را بدهد که از خواسته‌های خود برای نیازمندی‌های دیگران صرف نظر کنید.

---

---

---

---

---

## درس دوم

# خدای من، خدای من

نظری به چهار انجیل – فراموش شده

---

### بررسی اجمالی درس ۲

بررسی

مقدمه

درس ۲: مرقس ۱۱: ۱-۱۱

- عیسی، پسر فراموش شده خدا
- تتلستای! تمام شد!
- خاکسپاری عیسی
- تاملاتی درباره آن روز
- در قبر بسته شد

## مقدمه

برای عیسی هیچ رنجی بالاتر از آن نبود که پدر او را کاملا تنها گذاشته بود. سرانجام خشم خدا بر یگانه پسرش قرار گرفت. عیسی با صدای بلند فریاد زد: «خدای من، خدای من، چرا مرا فراموش کرده‌ای؟» این کلمات، درک ما را از کلام خدا به قوم اسرائیل که در تشنیه آمده است، بیشتر و عمیق‌تر می‌سازد که می‌گوید: «من هرگز شما را ترک نکرده و فراموش نمی‌کنم» و کلمات عیسی به شاگردانش پیش از صعود به آسمان، «من همیشه تا پایان عمر با شما خواهم بود.» آنچه که عیسی تحمل کرد و بر خود گرفت، برای من بود! به سبب کار او من هرگز از محبت پدر که در ایمان به عیسای مسیح به من تعلق دارد، جدا نخواهم شد (رومیان ۸: ۳۸-۳۹).

سه ساعت دیگر روی صلیب... سکوت حکمفرما بود. جمعیتی که برای دیدن و نظاره کردن آمده بود، در حال ترک کردن بودند. مردم برای عید فصح به سوی اورشلیم می‌روند و آنان که از جلوی صلیب عبور می‌کنند، به مجرم رسوای دیگری چشم دوخته‌اند، به بره بی‌عیب خدا، که آخرین نفس‌های خود را بر می‌آورد.

به دقت گوش فرا دهید، اگر از آنجا می‌گذرید، لحظه‌ای توقف کنید. او آب می‌خواهد. به نظر می‌رسد که می‌خواهد چیزی بگوید. می‌خواهد بگوید...

## درس ۲

### بخش ۱

**مقدمه:** در مرقس ۱۵: ۳۳ گفته می‌شود که حوالی ظهر، آن \_\_\_\_\_ ساعت، تاریکی تمام \_\_\_\_\_ فرا گرفت. این تاریکی تا \_\_\_\_\_ ساعت یا ساعت سه بود. اگر عیسی در این ساعات چیزی گفته است، در انجیل ثبت نشده است. هرچند که هنگام ظهر بود، اما تاریک‌ترین ساعات بود. لوقا ۲۳: ۴۵ چه می‌گوید؟ \_\_\_\_\_

**تکلیف:** مرقس ۱۵: ۳۳-۳۴ را مطالعه کنید. «... و عیسی با صدای بلند فریاد زد: \_\_\_\_\_ . این، چنین معنی می‌دهد: \_\_\_\_\_

### بازتاب:

۱- حال نهمین ساعت است. عیسی مزد عادلانه گناهان ما را که دوری از خداوند است، تجربه می‌نماید. او بهای گناهان ما را به طور کامل می‌پردازد و به جای ما رنج فراوان بر خود هموار می‌کند. خدای پدر او را فراموش کرده و تنها گذاشته است.

۲- ما هرگز کاملاً فراموش نشده‌ایم. در سرتاسر کتاب مقدس بخش‌هایی وجود دارد که به ما اطمینان می‌دهد که او هرگز ما را فراموش نخواهد کرد. در این مراجع خداوند به ما چه می‌گوید؟ \_\_\_\_\_

الف. مزمور ۲۷: ۹-۱۰ \_\_\_\_\_

ب. مزمور ۳۷: ۲۷-۲۸ \_\_\_\_\_

پ. ارمیا ۱۴: ۹ \_\_\_\_\_

ت. عبرانیان ۱۳: ۵ \_\_\_\_\_

۳- زندگی می‌تواند دشوار باشد. به طور مثال، عده‌ای در مورد ازدواج ممکن است بگویند «زندگی جهنمی». گروهی دیگر زندگی را «به سر بردن در جهنم» می‌پندارند. تجاربی که در زندگی به دست می‌آوریم می‌تواند تلخ و ناگوار باشد که این سوال را پیش آورد: «در این شرایط خدا کجا بود؟» عده‌ای نیز به طور ناعادلانه‌ای در سختی و عذاب به سر می‌برند. گناه تنها توضیح سختی‌ها و خشونت‌های زندگی است. شما چگونه فکر می‌کنید؟ \_\_\_\_\_

۴- درک رنج و سختی عیسی روی صلیب بسیار دشوار است زیرا او خشم خدا را برای گناه تجربه می‌کرد. عیسی گناه تمام دنیا را بر خود هموار کرد. هیچکس قادر نبود این رنج را برای او به دوش بگیرد. هیچکس قادر نبود او را که در حال مردن بود کمک نماید. هیچکس نمی‌توانست جای او باشد. خود او به تنهایی ناگزیر بود که سختی‌های ما را بر خود گیرد. می‌توانیم فکر کنیم که فراموش شدن به این معنی است که خداوند به التماس‌های ما در دعا پاسخ نداد. می‌توانیم به این بیندیشیم که فراموش شدن یعنی عزیزان ما نبایستی بدون خواسته ما بمیرند. اگر بمیرند، فکر می‌کنیم که خدا ما را فراموش کرده است. می‌توانیم چنین فکر کنیم که فراموش شدن به معنی به دست نیاموردن کار مناسب و یا افزایش دستمزد، یا نداشتن فرزند و یا بی‌بهره بودن از سلامتی‌ای است که انتظار داریم. زمانی که عیسی فریاد بر آورد، به عنوان کسی فریاد زد که از محبت پدر محروم شده و حال خشم و عصبانیت پدر را به خاطر گناه تحمل می‌کند. رنج و ناراحتی و مرگ او به واسطه گناه و شیطان است. از زمانی که گناه به تمام خلقت از جمله من و شما رخنه کرد، تمام مخلوقات بایستی بمیرند.

۵- شاید از مطالعه «نقشه خدا، انتخاب ما» که درس از پیدایش ۱ تا ۱۱ بود، به یاد بیاورید که شیطان آدم و حوا را فریب داد که از خدا و فرمان او سرپیچی نمایند. این نافرمانی رابطه بین ما و خدا را از بین برد. به طوری که ما قادر نیستیم آن را دوباره برقرار نماییم. پیوند دادن رابطه گسسته ما فقط با قدرت خداوند صورت می‌گیرد. ما سزاوار رنج کشیدن و مردن بودیم اما خدا می‌خواست که ما زنده بمانیم و نجات بیابیم. کاری که عیسی انجام داد این بود که تنبیهی که برای ما بود بر خود هموار ساخت. به جای آنکه ما بمیریم، خدا پسر خود عیسی را فرستاد تا برای گناهان ما بمیرد. عبارات زیر این امر را به خوبی توضیح می‌دهد: «مزد گناه \_\_\_\_\_ است اما \_\_\_\_\_ خدا حیات ابدی در \_\_\_\_\_ است که \_\_\_\_\_ ما است» (رومیان ۶: ۲۳). شما چه فکر می‌کنید: \_\_\_\_\_

۶- جالب توجه است که در مورد رئیس کاهنان و مقامات رسمی آنها دیگر چیزی گفته نشده است. آیا محل صلیب را ترک کردند؟ آیا آنچه را که می‌خواستند انجام دادند؟ آیا فکر کردند وقتی که عیسی مصلوب شد و مردم به توهین خود پایان دادند، می‌توانستند آنجا را ترک کنند؟ از همه گذشته، مردن او ساعت‌ها طول می‌کشید. تنها جایی که درباره آنها می‌شنویم، زمانی است که از نوشته‌ای که بالای سر عیسی به صلیب نصب کرده بودند، نزد پیلاتوس شکایت کردند. نوشته بالای سر عیسی درباره اتهامات او نوشته بود که چنین بود: «عیسای ناصری، پادشاه یهود» مخالفان اصرار داشتند که پیلاتوس به جای آن چه چیزی را بنویسد؟ (یوحنا ۱۹: ۲۱): \_\_\_\_\_

مقامات یهودی قصد داشتند حقیقت را بر عکس جلوه دهند اما پیلاتوس حاضر نبود دیگر به آنها گوش دهد. احتمالاً او از خودش عصبانی بود و از ناتوانی قضاوت خود در محاکمه عیسی مایوس شده بود. پاسخ پیلاتوس در برابر اعتراض آنها چه بود؟ (آیه ۲۲) \_\_\_\_\_



## بخش ۲

**مقدمه:** زمان نهمین ساعت بود. عیسی روح خود را به پدر تسلیم می کرد. کار او تمام شده بود اما می خواست چیزی قبل از مرگش بگوید.

**تکلیف:** یوحنا ۱۹: ۲۸-۳۰ را بخوانید.

### تمرین:

۱- در یوحنا ۱۳: ۱ می خوانیم که عیسی می دانست زمان آن فرا رسیده که این جهان را ترک کند. عیسی چه می دانست؟ (آیه ۲۸)

---

۲- همه چیز کامل بود. او کاری را که پدر می خواست انجام داد. اما آیات کلام بایستی کاملاً تحقق پذیرد. بنابراین عیسی چه می گوید؟

---

۳- بدون شک، عیسی احتیاج به آب داشت. نه ساعت بود که آب نخورده بود. با دهان خشک نمی توان صحبت کرد. عیسی گفت: «تشنه ام». او یک کلمه داشت که می خواست تمام دنیا بشنود. اسفنجی را که آغشته به آب انگور ترشیده بود به دهانش بردند. پس از خوردن این سرکه عیسی چه گفت (آیه ۳۰):

---

در زبان یونانی این جمله به صورت یک کلمه ترجمه می شود: **تتلیستای**. زمان فعل نشان از آن دارد که تمام شد، کامل شد، کاملاً برای همیشه خاتمه یافت. احتیاجی نیست که کار دیگری برای نجات روح ما انجام پذیرد. **تتلیستای!**

۴- عیسی می خواست همه صدای او را بشنوند که می گوید: «**تتلیستای**»- نه تنها زنان، نه تنها آنان که در اطراف صلیب بودند، و نه فقط سربازان، بلکه پیلاتوس، حنا و قیافا، رئیس کاهنان، و حکام یهود نیز بشنوند. او می خواست که شاگردانش هر جا که هستند، صدای او را بشنوند و سامری ها و غیریهودیان نیز به همچنین. او مایل بود آنها که دور و نزدیک و در سرتاسر دنیا بودند بشنوند که «**تتلیستای**». و او می خواست من و شما، همسایگان ما، دوستان ما، همکاران و دوستان صدای او را بشنوند که می گوید: «**تتلیستای**».

۵- و لحظه بعد می شنویم که می گوید (لوقا ۲۳: ۴۶):

---

۶- عیسی را به هرود، سپس به پیلاتوس و جمعیت و دیگران دست به دست تحویل داده بودند. حال عیسی خود را با این کلمات به پدرش می سپارد: «به \_\_\_\_\_ تو روح خود را تسلیم می کنم» و آخرین نفس را کشید. سرش را

پایین انداخت و روح خود را سپرد. نویسندگان انجیل با دقت بسیار در مورد مرگ عیسی نوشته‌اند که او قربانی گناه، مرگ و شیطان نبود. بلکه عیسی قصد داشت که ما بفهمیم که او خود را، روح خود را، و هر چه که بود تسلیم خدایی نمود که قضاوتش عادلانه است (اول پطرس ۲: ۲۳). باز هم «پدر، در \_\_\_\_\_ تو، من \_\_\_\_\_ روح خود را.»

**بازتاب:** در حالیکه به کلمات عیسی «تمام شد!» «تلاستای!» می‌اندیشید، تفکرات و تاملات خود را بنویسید:

---

---

---

---

---

---

---

**بازتاب:** در حالیکه در نظر می‌آورید که او قصد داشت شما سخنان او را بشنوید، تاملات خود را بنویسید:

---

---

---

### بخش ۳

تمرین: چیزهایی غیر عادی و معجزه‌آسا در لحظه‌ای که عیسی مرد اتفاق افتاد.

۱- متی ۲۷: ۵۱-۵۲ چه می‌گوید؟

الف. \_\_\_\_\_

ب. \_\_\_\_\_

پ. \_\_\_\_\_

ت. \_\_\_\_\_

ث. \_\_\_\_\_

۲- سربازان و نگهبانانی که با او بودند چطور؟ آنها درباره تمام آنچه که دیدند و شنیدند چه می‌گویند؟ (متی ۲۷: ۵۴؛ لوقا ۲۳: ۴۷).

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۳- عکس‌العمل زنان چگونه بود؟ (آیه ۵۵)

\_\_\_\_\_

۴- عکس‌العمل ناظران چگونه بود؟ (لوقا ۲۳: ۴۸)

\_\_\_\_\_

۵- روزی که عیسی مرد، روز آمادگی بود. روز بعد، روز مخصوص سبت بود. چه چیزی در مورد سبت برای یهودیان اهمیت داشت؟ (یوحنا ۱۹: ۳۱)

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۶- پیلاتوس دستور داد سربازان چه بکنند؟ (آیه ۳۲)

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۷- سربازان بدن عیسی را چه کار کردند؟ (آیه ۳۳)

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۸- اینکه آیا عیسی واقعا مرد یا نمرود مورد بحث قرار گرفته است. در آیه ۳۴ گفته می‌شود وقتی که سرباز پهلوی عیسی را سوراخ کرد، ناگهان آب و خون از آن جاری شد و بیرون ریخت. در هنگام مرگ مایعی که در اطراف قلب است جدا شده به صورت آب و خون دیده می‌شود. طبق آیه ۳۵، چه کسی این واقعه را دید؟ از کجا می‌دانید؟

\_\_\_\_\_

---

۹- چه کسی بدن عیسی را درخواست کرد؟ (آیه ۳۸)

---

۱۰- درباره یوسف چه گفته‌اند؟ (آیه ۳۸؛ لوقا ۲۳: ۵۰-۵۱)

---

۱۱- چه کسی همراه او بود؟ درباره نیکودیموس که یک بار در پایان شب عیسی را ملاقات کرد چه به خاطر می‌آورید؟ (یوحنا باب ۳) او از عیسی چه سوالی کرد؟

---

۱۲- نیکودیموس چه چیزی با خود آورد؟ (آیه ۳۹)

---

این مردان تصمیم داشتند چه کار بکنند؟ (آیه ۴۰)

---

۱۳- مردان در شتاب بودند. این زمان روز آمدگی یهودیان بود. قبر در کجا واقع بود؟ (آیات ۴۱-۴۲)

---

۱۴- این قبر چه ویژگی‌ای داشت؟ (آیه ۴۱)

---

۱۵- چه اطلاعات جدیدی از مرقس ۱۵: ۴۳-۴۵ می‌آموزید؟

---

۱۶- چه کسانی از دوردست شاهد بودند؟

---

## بخش ۴

### بازتاب:

۱- آیا فکر می‌کنید که کدام یک از شخصیت‌ها بیشتر به شما شباهت دارد؟ خود را در کجا می‌بینید؟ زندان‌بان از تمام این وقایع در حیرت بود. زنان از فاصله‌ای دور تماشا می‌کردند. شاگردان ناپدید شدند و فقط یوحنا آنجا بود. یوسف از اهالی رامه با شهامت بدن عیسی را از پیلاطوس درخواست کرد. نیکودیموس بدن عیسی را در پارچه‌ی کتان‌ی تمیزی پوشانید و مریم مجدلیه که در عزای دوست خود بود و مایل نبود آنجا را ترک نماید، دید که چگونه بدن عیسی را کفن کردند، به خانه رفت و مواد معطر را برای جسد عیسی آماده کرد. شما چه فکر می‌کنید؟

---

۲- تمام تندخویی و خشم جمعیت از بین رفت. کسی فریاد نمی‌زد و سخنان زشت بر زبان نمی‌آورد. هر سه نفری که مصلوب شده بودند، مرده‌اند. نمایش تمام شد. یوسف و نیکودیموس با دقت و محبت عیسی را از صلیب پایین آوردند. گوشت و پوست او پاره و زخمی شده بود و خون روی زخم‌ها خشک شده بود. صدایی شنیده نمی‌شود. همه برای آماده کردن سبت به خانه‌های‌شان رفته‌اند. شما به چه می‌اندیشید:

---

۳- در سکوت آخرین لحظه‌های بعدازظهر، مرگ عیسی آرامشی به وجود آورد. همه چیز آرام بود، سختی‌ها تمام شد. نه تنها که در تپه‌ی صلیب و در قبر سکوت برقرار بود، بلکه در قلب و زندگی پیروانش نیز سکوت برقرار بود. یا آیا واقعا سکوت و آرامش بود؟ چه اتفاقی روی داده بود؟ کسی باور نمی‌کرد که کسی را که یک هفته قبل با فریاد شادی و ستایش استقبال کردند، حال مرده و او را در قبر نهاده‌اند. دنیای آنها به هم ریخته بود. رهبر، معلم و استادشان مرده بود. کسی نمی‌توانست باور کند. همه سردرگم شده بودند. آیا چنین بود؟ به نظر می‌رسید که زندان‌بان و سربازان گارد فکر دیگری داشتند. در متی ۲۷: ۵۴ چه گفتند؟

---

شما چه فکر می‌کنید؟

---

## بخش ۵

### تمرین:

۱- رئیس کاهنان و فریسیان نگران بودند. از این رو، نگرانی خود را نزد \_\_\_\_\_ بردند (متی ۲۷: ۶۳).

الف. برای توصیف عیسی چه کلمه‌ای را به کار بردند؟ (آیه ۶۳)

ب. عیسی چه گفت که آنها را نگران ساخت؟ (آیه ۶۳)

پ. درخواست آنها چه بود؟ (آیه ۶۴)

ت. می‌ترسیدند چه اتفاقی بیفتد؟ (آیه ۶۴)

۲- پیلاطوس چه دستوری داد؟ (آیه ۶۵)

۳- نگهبانان برای چه کاری آماده شدند؟ (آیه ۶۶)

از دیدگاه پیلاطوس همه چیز در امنیت بود. رئیس کاهنان و مقامات دیگر کار خود را به بهترین نحو انجام داده بودند و حال برای سبت آماده بودند. در قبر در واقع بسته شده بود! نگهبان مراقبت می‌کرد.

**کاربرد:** به مسئله‌ای بیندیشیم... آیا من بیشتر در امنیت و استراحت هستم وقتی که عیسی در درون قبر قرار دارد یا وقتی که او زنده است و آزاد شده تا به مردم خدمت نماید، به من تعلیم دهد و مرا دعوت نماید که از او پیروی کنم؟

**به حافظه سپردن:** احتمالاً تصور می‌کنید که تکلیف دشواری است اما شما را تشویق می‌کنیم که با صرف وقت لازم، هفت جمله‌ای که عیسی به زبان آورد را روی کارت‌های یادداشت بنویسید و یکی دو جمله به آن اضافه کنید که تعلیمات درس ۵ را به شما یادآوری کند. نترسید، به عقب برگردید و به خاطر آورید.

۱- پدر، \_\_\_\_\_

۲- امروز \_\_\_\_\_

۳- خانم محترم، \_\_\_\_\_

۴- خدای من، \_\_\_\_\_

۵- من، \_\_\_\_\_

۶- آن \_\_\_\_\_ تتلستای!

۷- پدر، \_\_\_\_\_

**دعا:** هنگامی که دعا می‌کنید، هر یک از درخواست‌های عیسی را نام ببرید. به طور مثال، از پدر بخواهید که دشمنان شما را ببخشد. از خداوند درخواست نمایید که به شما شهامت دهد تا دیگران را نزد عیسی بیاورید که آنها نیز از عیسی بشنوند که با او در بهشت خواهند بود. خدا را برای افرادی که برای تان عزیز هستند شکر نمایید و از او بخواهید تا آنها را در حفاظت خویش نگاه دارد. عیسی را شکر نمایید که به میل خود تنهایی را تحمل نمود و باور کنید که او هرگز شما را ترک و رها نکرد. او را برای گرسنه و تشنه نمودن شما در جهت رابطه‌ی درست با او سپاس گوید و بخواهید که همیشه تشنه‌ی وجود او که آب حیات است باشید و از او به خاطر کلمه‌ی حیاتش سپاسگزاری کنید. از او تشکر نمایید که کار نجات دادن را تمام کرد و آنقدر بلند فریاد برآورد «تتلستای» که شما نیز آن را بشنوید. و سرانجام، در آغوش پدر آرامش بیابید که ورود شما را به خانه‌اش خوشامد می‌گوید. سختی‌های زندگی را به دست‌های او تسلیم نمایید، روابط ناهموار، کار سخت محیطی را که همواره می‌خواهد شما را فریب دهد به او بسپارید. عیسی را به خاطر آنچه که او هست، یعنی پادشاه اسرائیل، سپاس گوید.

---

---

---

---

---

درس سوم

# برو و بگو!

مطالعه چهار انجیل – او برخاسته است!

---

بررسی اجمالی درس ۳

بررسی

مقدمه

درس ۳: مطالعه چهار انجیل

- زمین لرزه قیام
- بیا و ببین
- بازتاب‌های قیام
- نترس
- بخشیده شده
- برو و بگو



## مقدمه

رنج و اندوه صلیب پایان یافته است. عید فصح پایان یافته است. روز اول هفته بود. نگهبانان در خدمت بودند و از مقبره مراقبت می کردند. مردی که خود را پادشاه یهود می نامید، مرده بود. تمام هیاهوی چند روز قبل سرانجام خاتمه یافته بود. یک بار دیگر در اورشلیم سکوت برقرار شده و یا اینطور به نظر می رسید. حداقل پیلاطوس، قیافا، حنا و رهبران اینطور فکر می کردند. کسی که چنین ناراحتی و آشوبی در میان مردم ایجاد کرد، دیگر وجود نداشت.

چندین موضوع متفاوت در درس ۳ اتفاق می افتد. دقیقاً آنها را مشاهده کنید. دعوت و دستور فرشته را در نظر داشته باشید. با دقت به آنچه که عیسی به زنان گفت گوش فرا دهید. عکس العمل های خود را نسبت به قیام عیسی درک کنید.

قیام او چه چیزی را در زندگی من آغاز کرده است؟ دعوت او برای من چیست؟ او چه چیزی به من می دهد و چگونه مرا قدرت می بخشد که انجام دهم؟

فورا، برو و بگو! درست همانطور که گفت، او برخاسته است!

## درس ۳

### بخش ۱

**مقدمه:** روز سبت فرا رسید. برای یهودیان، این روز هفته به منظور پرستش و استراحت بود. فقط می‌توانیم تصور کنیم که صحبت‌های آن روز دربارهٔ وقایع روز قبل در اورشلیم دور می‌زد. عیسی مصلوب گشت و مرد! برای بعضی از آنها باور کردنی نبود و غم و اندوه بر آنها مسلط شد. برای گروهی آرامش به شمار می‌آمد که کسی که خود را پادشاه یهود و پسر خدا می‌دانست سرانجام مرد و دور شد. و بعضی دیگر که دوستان و همراهان نزدیک عیسی بودند، می‌ترسیدند که پس از آن نوبت مردن آنها فرا برسد. از این‌رو خود را پشت درهای بسته پنهان کردند (یوحنا ۲۰: ۱۹).

**تکلیف:** متی ۲۸: ۱-۱۰ را بخوانید. گزارش بیشتری دربارهٔ این داستان در مرقس ۱۶: ۱-۸، لوقا ۲۴: ۱-۱۰، و یوحنا ۲۰: ۱-۹ آمده است. شما را تشویق می‌کنم که هر چهار گزارش را مطالعه نمایید. زیرا هر کدام بر مورد متفاوتی تأکید دارد.

#### تمرین: متی ۲۸: ۱-۱۰

۱- این چه روزی از هفته است؟ (آیهٔ ۱)

---

۲- چه زمانی از روز بود؟

---

۳- چه کسی برای دیدن قبر آمد؟

---

نویسندگان هر چهار انجیل ذکر کرده‌اند که مریم مجدلیه آمد. دو نفر از مریم مادر یعقوب و یک نفر از مریم دیگر نام می‌برند. یک نفر سالومه و یکی دیگر جوانا را ذکر می‌کند. به غیر از مریم مجدلیه، از سایر زنان اطلاعی نداریم. می‌دانیم که این زنان به دنبال عیسی می‌رفتند و به نیازمندی‌های او رسیدگی می‌کردند و هنگامی که مرد، با او بودند (متی ۲۷: ۵۵-۵۶). حال روز روشن بود و آنها \_\_\_\_\_ آوردند تا شاید بتوانند بدن عیسی را \_\_\_\_\_ (مرقس ۱۶: ۱).

۴- مرقس دربارهٔ سوال مهمی که در ذهن‌شان بود چه می‌گوید؟ (آیهٔ ۳)

---

۵- همین که این زنان به قبر رسیدند، طبق گزارش متی ۲۸: ۲ چه اتفاقی افتاد؟

---

۶- فرشته چه کار کرد؟ (آیهٔ ۲)

---

۷- آیه ۳ می گوید که فرشته چگونه به نظر می رسد: \_\_\_\_\_

۸- چه اتفاقی برای نگهبانان قبر افتاد؟ (آیه ۴) \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۹- فرشته به زنان چه گفت؟

الف. آیه ۵، قسمت اول: \_\_\_\_\_

ب. آیه ۵، قسمت دوم: \_\_\_\_\_

پ. آیه ۶، قسمت اول: \_\_\_\_\_

ت. آیه ۶، قسمت دوم: \_\_\_\_\_

۱۰- در قسمت اول آیه ۷ آنها تعلیم داشتند چه کار کنند؟ \_\_\_\_\_

۱۱- چه پیغامی برای شاگردان داشتند؟ \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۱۲- وقتی که زنان با شتاب از قبر دور شدند، چه احساسی داشتند؟ (آیه ۸) \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۱۳- کدام دو کلمه در آیه ۸، این احساس را به وجود می آورد که هیجان زده و در شتاب بودند؟

\_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_

۱۴- و چه کسی را در راه ملاقات کردند؟ (آیه ۹) \_\_\_\_\_

۱۵- او گفت: «\_\_\_\_\_» آنها \_\_\_\_\_ به او، و \_\_\_\_\_ او را نگه داشتند. و او را \_\_\_\_\_.

۱۶- عیسی به آنها چه گفت؟ (آیه ۱۰)

الف. \_\_\_\_\_

ب. \_\_\_\_\_

پ. \_\_\_\_\_ (متی ۲۸: ۱۶).

## بخش ۲

### بازتاب:

۱- درباره داستان قیام چه مشاهده‌ای دارید؟

مشاهده شما چگونه توجه شما را جلب کرد؟

۲- روز سبت برای زنان بسیار دشوار بوده است. در این روز اجازه نداشتند کار کنند، در این صورت بایستی صبر کنند تا روز اول هفته فرا رسد تا بتوانند عیسی را به نحوی درست دفن کنند. خاکسپاری عیسی به شتاب صورت گرفته بود تا کارها قبل از ساعت ۶ آن شب خاتمه یابد زیرا در این ساعت سبت آغاز می‌شد. می‌توان در نظر گرفت که این زنان پر از اندوه و ناراحتی بودند. بعضی از آنها او را در تمام مسیر از جلیل که در شمال اورشلیم است دنبال کرده بودند. در یک لحظه شام عید فصح را با شاگردانش می‌خورد و در لحظه‌ای دیگر، آنچه که باورنکردنی بود رخ داد. او روی صلیب مرده بود. چه اشتباهی مرتکب شده بود؟ چه چیزی سبب این اضطراب و دیوانگی شده بود؟ همه داد و فریاد می‌کردند و هیچ کنترلی در جمعیت وجود نداشت. و پس از آن ناگهان همه چیز خاتمه یافت. او مرد و در آن زمان بود که اموری غیر معمول شروع شد. پرده معبد از بالا به پایین پاره شد. زمین لرزید و صخره‌ها به دو نیم شدند. قبر شکست و اجساد بسیاری از مردم پاک و مقدس که مرده بودند زنده شدند (متی ۲۷: ۵۱-۵۲). اگر آنجا بودید و مردن عیسی را می‌دیدید و حالا در خانه خود بود و سبت تمام شده بود، فکر می‌کنید چه کار می‌کردید؟ چه تصویری دارید؟

۳- ناگهان خداوند واقعه‌ای را شروع می‌کند که تاریخ را تغییر می‌دهد! طبیعت، قیام را اعلام نمود. زمین لرزه شدیدی اتفاق افتاد! متی تنها کسی است که واقعه زمین لرزه، آمدن فرشته، رفتن به قبر و برگرداندن سنگ قبر را نوشته است. چه کسی زمین لرزه را احساس کرد؟ نویسندگان سایر انجیل‌ها چه می‌گویند؟

الف. مرقس ۱۶: ۱-۴

ب. لوقا ۲۴: ۱-۳

پ. یوحنا ۲۰: ۱

متی حتی ظاهر فرشته را توصیف می‌نماید. وقتی که تمام این اتفاقات روی داد، گفته می‌شود که نگهبانان به قدری ترسیده بودند که به لرزه افتادند و «شبی مرده‌ها شدند» (آیه ۴). بازتاب شما چیست؟

### بخش ۳

بازتاب (ادامه دارد):

۴- فرشته روی سنگ قبر نشست. وقتی که این امر را در نظر بیاورید ممکن است افکار خنده‌آوری به ذهن شما راه یابد. حتما فرشته انتظار داشت که عده‌ای جهت دیدن قبر بیایند. او بهترین خبر را داشت و حتما مشتاق بود و برای خود امتیازی می‌دانست که به دنیا اعلام نماید که عیسی همانطور که خودش گفته بود، از مرگ برخاسته. حیرت‌انگیز است که با لرزیدن و به زمین افتادن گارد، فرشته لبخندی زد. آیا وظیفه این مردان این نبود که قبر را از دسترس دزدانی به نام شاگردان عیسی محافظت نمایند؟ زمین لرزه شدید، فرشته ظاهر شد، سنگ قبر برداشته شد و آنها هیچ قدرتی برای نگهبانی ندارند، زیرا مانند مردگان روی زمین افتاده‌اند. در قبر باز بود، نمایان بود و خالی و برای دیدارکنندگان آماده بود!

۵- اولین سخنانی که فرشته به زنان گفت این بود: «\_\_\_\_\_»  
او می‌دانست که زنان برای دیدار بدن بی‌جان ارباب مصلوب خود آمده‌اند. وقتی که بدن او را دیدند که توسط یوسف و نیکودیموس در قبر گذاشته شد، همه‌اش در فکر آماده کردن جسد او بودند. حال با نوری شدید، لباس‌هایی به سفیدی برف و صدایی مواجه هستند که می‌گوید: «نترسید.» و سپس فرشته در ادامه می‌گوید که جسدی که در جستجوی شما هستند آنجا نیست. پاسخ فوری شما چه خواهد بود؟ شاید اینگونه پاسخ دهید که: «بسیار خوب، چه کسی آن را برد؟» فرشته خبر خوش را به آنها می‌دهد: «او اینجا نیست، همانطور که خودش گفت او برخاسته است.»

۶- فرشته زنانی را که بیرون ایستاده بودند ترک نکرد، بلکه از آنها دعوت نمود به داخل قبر بروند و جایش را ببینند. و سپس به زنان دستوراتی داد. زنان بایستی چه کار می‌کردند؟ (آیه ۷)

۷- برای شاگردان چه پیامی داشت؟ \_\_\_\_\_

هرچند که شاگردان اولین دیدارکنندگان قبر نبودند، نگرانی آنها این بود که از رستاخیز عیسی از مردگان آگاه بودند. «زود برو و به شاگردانش بگو.» ضرورتی وجود داشت که شاگردانش به این خبر خوش پی ببرند.

۸- سپس زنان با احساسات مبهم و با شتاب راه افتادند. هرچند که هنوز در هراس بودند، از خوشحالی ناگزیر شدند بدون و به شاگردان خبر دهند و در راه‌شان چه کسی را به جز ارباب برخاسته خود، عیسی را دیدند. پای او را گرفتند. لازم بود که به او دست بزنند تا بدانند که او شبیح نیست بلکه وجود واقعی است. و سپس آنها نیز مانند تمام افرادی که خدای قیام کرده را در زندگی خود دیده‌اند، پاسخ دادند. او را پرستش کردند! عیسی همانطور که فرشته به آنها گفته بود پاسخ داد: «نترسید.» دستورات یکسان بود: «بروید و به برادران من بگویید...» عیسی آنچه را که فرشته گفته بود تایید کرد، و آنچه را که در قبر دیدند تایید نمود و حال آنچه را با چشم خود می‌دیدند و با دست خود لمس می‌نمودند حقیقت داشت. عیسی زنده بود و از مردگان برخاسته بود!

## بخش ۴

**کاربرد:** اما چه عاملی به این واقعه که دو هزار سال پیش روی داد، بیش از یک رویداد تاریخی ارزش می‌دهد؟ چه ارزشی برای من و زندگی امروز من دارد؟ اجازه دهید به یکی دو مورد توجه کنیم:

۱- عیسی به هر آنچه که دربارهٔ خودش گفت و دربارهٔ رابطه‌ای که خدا می‌خواهد با من گمگشته و سرگردان داشته باشد، اعتبار بخشید. عیسی قلب خدا را برای ما آشکار نمود. زیرا محبت خدا محبتی است که در هیچکس یافت نمی‌شود. محبتی که کسی زندگی خود را برای دوستش فدا کند (یوحنا ۱۵: ۱۳). بدون تردید آنچه عیسی گفت حقیقت دارد. هرچه عیسی گفت زندگی و نجات را به همراه دارد و هرکس که به او ایمان آورد، حیات ابدی می‌یابد. در یوحنا ۱۴: ۶ عیسی به شاگردانش گفته بود: «من هستم \_\_\_\_\_، و \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ . هیچکس به سوی \_\_\_\_\_ به جز از طریق \_\_\_\_\_.»

الف. اگر رستاخیز به همهٔ وعده‌ها اعتبار می‌بخشد، برای من چه مفهومی دارد که به آنچه دربارهٔ خودش گفت فکر کنم؟

---

---

ب. اگر رستاخیز به همه چیز اعتبار می‌بخشد، برای من چه مفهومی دارد که رابطهٔ او را با خود و رابطهٔ خود را با او در نظر گیرم؟

---

---

۲- خدا قدرت عظیم خود را در رستاخیز آشکار ساخت.

الف. او با قیام عیسی از مردگان آغاز نمود. زمین لرزه تقریباً مانند مهر تایید آسمانی است که خداوند عمل بازپرداخت عیسی را پذیرفت. این مهری است که می‌گوید «بخشوده شد.» واقعا تمام شد. دیگر هیچ کار دیگری برای نجات لازم نبود. من دیگر بردهٔ گناه نیستم. مهر تایید خدا در مورد کار عیسی چه کاری در زندگی من انجام داد؟ بخشش او چه چیزی برای من حاصل می‌کند؟

۱. یوحنا ۸: ۳۲، ۳۶ \_\_\_\_\_

۲. رومیان ۸: ۱، ۲ \_\_\_\_\_

۳. دوم قرنتیان ۳: ۱۷ \_\_\_\_\_

۴. غلاطیان ۵: ۱، ۱۳ \_\_\_\_\_

هنگامی که به زندگی کردن مانند یک برده در مقایسه با زندگی مانند یک شخص آزاد شده می‌اندیشید، چه افکاری به سر شما می‌آید؟

---

ب. او نه تنها با انجام رستاخیز پیشقدم شد، بلکه مرا دعوت می‌نماید که آن را با او تجربه کنم. فرشته گفت: «بیا و ببین...» او جایی را که بدن بی‌جان او را قرار داده بودند به من نشان می‌دهد. او جایی را به من نشان داد که اگر او برای من نمرده بود، می‌توانست قبری برای جسد بی‌جان من باشد. رومیان ۶: ۶ می‌گوید: «زیرا می‌دانیم که خدای ما \_\_\_\_\_ بود \_\_\_\_\_ با او...» آیه ۸ در ادامه می‌گوید: «حال اگر ما \_\_\_\_\_ داریم با \_\_\_\_\_ ، ما \_\_\_\_\_ که همچنین \_\_\_\_\_ با او خواهد بود.»

پ. قیام مسیح همچنین ثابت می‌نماید که ما خدای زنده‌ای داریم همانطور که عیسی گفته بود، «او خدای مردگان نیست، بلکه خدا زنده است» (متی ۲۲: ۳۲). تمام مذاهب دنیا بر این نظر هستند که خدا یا قدرتی است که دسترسی به آن امکان‌پذیر نیست، «قدرت آسمانی» و یا خدا فقط فلسفه‌ایست - از اینرو خدایی مرده است. برای مسیحیان رستاخیز مسیح خدا را به عنوان خدایی نزدیک، با محبت که خواستار برقراری رابطه با نوع بشر است می‌شناسد، از اینرو او خدای زنده است. خدا خواهان داشتن رابطه نزدیک و محبت‌آمیز با من و شما است.

ت. خبرهای خوش بیشتری وجود دارد. خدا به من حیات بخشید و از من دعوت نمود که در مرگ و قیام عیسی شریک شوم. او مرا با قدرت خود که در من زندگی می‌کند نیرو می‌بخشد و در من کار می‌کند. دستور فرشته این بود که فوراً برو و بگو. فرمان عیسی نیز آن بود که برو و بگو. فرمان تغییری نکرد. باید به سرعت بروم و به دیگران بگویم که او از مردگان برخاسته است! کلام او حقیقت دارد. او همان کسی است که گفت هستیم. او حقیقت را به ما گفته است. او مرا به ماموریت خویش فرا می‌خواند که کار او را به همه اعلام کنم. او مرا فرا می‌خواند و قدرت می‌بخشد و به این صورت کلام خود را در من روشن می‌سازد و مرا جرات و نیرو می‌بخشد. بالاخره در یوحنا ۱۰: ۱۰ به ما می‌گوید که او آمد تا به ما \_\_\_\_\_ بخشد و آن را تا \_\_\_\_\_ .

**دعا:** در حالیکه در کار خدا تامل می‌کنید که فیض عظیم خود را از طریق مرگ و رستاخیز عیسی آغاز می‌نماید، کسی که شما را جهت ماموریت خویش دعوت می‌نماید که همه از بخشش رایگان او آگاه شوند و به عنوان کسی که با محبت عظیم خود شما را نیرو می‌بخشد و شما را در انجام کار تنها نمی‌گذارد بلکه با روح‌القدس به شما یاری و قدرت می‌دهد، برای شکرگزاری و ستایش به درگاه او دعا کنید:

---

---

# درس چهارم

## و چشمان آنها باز شد

متی ۲۸ و لوقا ۲۴ - روز رستاخیز

---

بررسی اجمالی درس ۴

بررسی

مقدمه

درس ۴: متی ۲۸: ۱۱-۱۵ و لوقا ۲۴: ۱۳-۳۵

- موجب پنهانی برای دروغ
- فوری! برو! بگو!
- در راه به عموآس
- جستجوی بدن مرده
- رویارویی شخصی با خدای زنده



## مقدمه

چه روزی به شاگردان عیسی و زنانی که از او مراقبت می‌کردند گذشت! با زمین لرزه‌ای که در صبح زود اتفاق افتاد شروع شد و با بازگشت مردان از راه عموآس که گزارش دادند با عیسی به سر برده‌اند، خاتمه یافت. هیجان فوق‌العاده و بهت و حیرت آمیخته با ترس از یهودیان، شاگردان را پشت درهای بسته نگاه داشت. یک لحظه او مرده و لحظه‌ای بعد او زنده است. یک لحظه جسدی گم شده و دقیقه‌ای پس از آن عیسی به عنوان خدای زنده ظاهر می‌شود. یک لحظه به آنها گفته می‌شود «بیاید و ببینید» و لحظه‌ای دیگر گفته می‌شود «برو و بگو».

و در این ضمن، رییس کاهنان و رهبران با نگهبانان مواجه می‌شوند که گزارش دادند که زمین لرزه سبب شد سنگ قبر کنار رود و حال جسد مرده گم شده است. با این گزارش چه اقدامی می‌توانند بکنند؟

در تمام روز همه چشم‌ها باز بودند. نگهبانان، رییس کاهنان و رهبران، زنان، یوحنا و پطرس و تمام شاگردان و پیروان متوجه می‌شوند که حقیقت آشکار شده است. در ضمن مطالعه از شرایط چشمان قلب خود آگاه باشید. بگذارید که روح خدا، خدای قیام کرده و نجات‌دهنده را بر شما آشکار سازد.

## درس ۴

### بخش ۱

**مقدمه:** رییس کاهنان و رهبران نیز مانند پیلاتوس تصور کردند که دیگر با عیسی روبرو نخواهند شد. از دیدگاه آنها، عیسی مرده بود و او را در قبر نهاده بودند. هیچ راهی وجود نداشت که فرار کند. اجازه دهید ببینیم که متی در چند آیه کوتاه چه می گوید.

**تکلیف:** متی ۲۸: ۱۱-۱۵ را بخوانید.

### تمرین:

۱- زنان کجا رفتند؟

۲- نگهبانان کجا رفتند (آیه ۱۱)

۳- چه چیزی را باید گزارش می دادند؟ چه اتفاقی رخ داده بود؟

\_\_\_\_\_

۴- همه چیز طبق نقشه انجام نگرفته بود. حال مسئله عمده برای رییس کاهنان و رهبران پیش آمده بود. چه نقشه‌ای کشیده بودند؟ (آیات ۱۲-۱۴).

الف. به سربازان دادند

ب. سربازان بایستی بگویند

پ. و اگر بخشدار پی ببرد

۵- آیه ۱۵: «بنابراین آنها گرفتند \_\_\_\_\_ و همانگونه که \_\_\_\_\_ انجام دادند

\_\_\_\_\_ . و این \_\_\_\_\_ به طور گسترده‌ای \_\_\_\_\_ در میان

\_\_\_\_\_ تا به امروز.

## بازتاب:

۱- ابتدا به یهودا پرداختند که به عیسی خیانت ورزد. این بار پول را برای دروغ و ریاکاری به کار بردند. جالب است که رییس کاهنان و فریسیان عیسی را فریبکار خواندند و اعلام کردند که آنچه درباره رستاخیز خود گفت فریبی بیش نبود (متی ۲۷: ۶۳-۶۴). چه کسانی را شیطان به طور مخفیانه به کار می برد که حقیقت ناگفته بماند؟

---

۲- برای عده ای آسان تر است که دروغ های سربازان و مقامات رسمی را بپذیرند تا اینکه باور کنند خداوند پسرش را از مرگ برخیزانید. می توانیم این احتمال را بپذیریم که کسی بدن عیسی را بدزد اما تصور اینکه او از مرگ به زندگی برگشت نیاز به ایمان دارد. آیات کلام در کتاب عبرانیان ۱۱: ۶ تعلیم می دهد که: «بدون \_\_\_\_\_ این هست \_\_\_\_\_ به خدا.» و پولس رسول در رومیان ۱: ۱۷ می فرماید: «آن \_\_\_\_\_ خواهد \_\_\_\_\_ به وسیله \_\_\_\_\_».

## کاربرد:

۱- جامعه مذهبیون با دروغ های خود درباره بدن عیسی، مردم را فریب دادند. کار آنها این سوال را پیش می آورد که به چه کسی می توان اعتماد کرد. آیا شما حقیقت گو هستید؟ آیا شما کسی هستید که مردم نزد شما بیایند و اطمینان داشته باشند که واقعیت را می گویند؟ آیا می دانند که شما سعی ندارید که اشتباهات کسی را بپوشانید؟ یا، شاید گفتن واقعیت برای شما دشوار است. رابطه خود را با کسی که حقیقت است چگونه توصیف می نمایید؟

---

۲- رهبران مذهبی زندانی دروغ های خود بودند. آیا سربازان آنچه را که واقعا رخ داد آشکار کردند؟ یا پول بیشتری درخواست نمودند؟ آنها می ترسیدند که پیلاتوس که فرماندار است به آن پی ببرد. چه جوابی به او بدهند؟ دروغ و فریب آنها دائما دروغ ها و فریب های بیشتری را ایجاد می کرد. این خواست خدا نبود. فرشته گفت: «فورا برو و به شاگردانش بگو.» بگذار حقیقت گفته شود. او برخاسته است! زنان با شتاب از قبر دور شدند شاید حتی قبل از آنکه سربازان فرصتی یابند که به هوش آیند. آنها می ترسیدند اما در عین حال از خوشحالی لبریز بودند. دویدند که بگویند! عیسی آنها را ملاقات کرد و ترس آنها را پایان داد. «ترسید، بروید و بگویید.» شهادت آنها برای رفتن و گفتن به شاگردان، حقیقت قیام او را از مرگ به ما می دهد. شما داستان را از زبان زنان شنیدید. می دانید که آن روز صبح زود چه اتفاقی روی داد. آیا با خوشی می دوید که به دیگران بگویید؟ به چه کسی می خواهید بگویید؟ عیسی می خواهد چه کسی بداند که او خدای زنده آنهاست؟

---

**دعا:** خداوندا، تو خدای زنده من هستی. بدن تو از مردگان برخاست. فرشته گفت: «او اینجا نیست. همانطور که گفت او برخاسته است.» کفن‌های خالی در قبر مانده بود. دیگر نیازی نیست که در ترس زندگی کنم. من آزاد شده‌ام که بروم و به دیگران بگویم. به من شهادت ببخش که به دیگران بگویم که دیگر لازم نیست کسی از مرگ بترسد. درست همانطور که تو خداوندا از مرگ برخاستی، همه ما نیز برخواییم خاست. چه خوشی و آرامشی داریم که می‌دانیم بخشنده ما زنده است.

---

---

---

---

## بخش ۲

**مقدمه:** نیازی به گفتن نیست که این اولین روز هفته با تمام روزهای دیگر تفاوت داشت و هرگز روز دیگری مانند آن نخواهد آمد. احساسات گوناگون همه چیز را در آشفتگی قرار داد. ابتدا، اندوه اینکه عیسی مرده بود زنان را به سوی قبر آورد (مرقس ۱۶: ۱). پس از آن، ترس اینکه بدن او را برده بودند، پطرس و یوحنا را به سوی قبر سراسیمه ساخت (یوحنا ۲۰: ۳-۸). ظاهر شدن عیسی به زنان آنها را مطمئن ساخت (متی ۲۸: ۱۰) که بروند و به شاگردان بگویند که چه دیده‌اند و شنیده‌اند. ظاهر شدن عیسی به مریم مجدلیه (یوحنا ۲۰: ۱۰-۱۸)، به عنوان خدای قیام کرده، به او حیاتی نوین با خوشی و آرامش بخشید. پطرس از آنچه روی داده بود در حیرت بود (لوقا ۲۴: ۱۲) مثل اینکه همه چیز به سرعت اتفاق می‌افتاد. احساس می‌کرد که هر بار به هر طرف که روی می‌آورد، کسی با خبر تازه‌ای از راه می‌رسد. اجازه بدهید که داستان دیگری را ببینیم. هنگامی که دو تن از شاگردان با هم در راه قدم می‌زدند...

**تکلیف:** لوقا ۲۴: ۱۳-۳۵ را مطالعه کنید.

### تمرین:

- ۱- این روز چه روزی است؟ (آیه ۱)
- ۲- دو تن از مردان گروه کجا می‌روند؟ (آیه ۱۳)
- ۳- درباره چه چیزی صحبت می‌کردند؟ (آیه ۱۴)
- ۴- در حالیکه راه می‌رفتند و صحبت می‌کردند، چه اتفاقی افتاد؟ (آیه ۱۵)
- ۵- پدیده جالبی که روی داد چه بود؟ (آیه ۱۶)
- ۶- عیسی چه سوالی کرد که سبب شد آنها بایستند؟ (آیه ۱۷)
- ۷- در آیه ۱۷ چهره آنها بازگویی چه بود؟
- ۸- کثوپاس از عیسی چه سوالی کرد؟ (آیه ۱۸)
- ۹- و عیسی پاسخ داد (آیه ۱۹)
- ۱۰- در آیه ۱۹ عیسی ناصری را چگونه توصیف کردند؟

الف. \_\_\_\_\_

ب. \_\_\_\_\_

۱۱- چه وقایعی را این مردان به عیسی نسبت دادند؟ (آیات ۲۰-۲۴)

الف. آیه ۲۰: \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

ب. آیه ۲۱: آنها چه امیدی داشتند؟ \_\_\_\_\_

پ. چه مدتی تمام این وقایع رخ داده بود؟ \_\_\_\_\_

ت. آیات ۲۲ و ۲۳: زنان چه کار کردند؟

۱. \_\_\_\_\_

۲. \_\_\_\_\_

ث. آیه ۲۴: همراهان آنان چه یافتند؟ \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۱۲- عیسی چه پاسخی داد؟ (آیه ۲۵) \_\_\_\_\_

و \_\_\_\_\_

۱۳- عیسی از آنها چه سوالی کرد؟ (آیه ۲۶) \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۱۴- عیسی از موسی و انبیا برای چه کاری استفاده کرد؟ (آیه ۲۷) \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۱۵- زمانی که به روستا رسیدند چه اتفاقی رخ داد؟ (آیات ۲۸-۲۹) \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۱۶- عیسی سر میز چه کار کرد؟ (آیه ۳۰) \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ ۱۷- چه اتفاقی برای آن دو مرد رخ داد؟ (آیه ۳۱)

\_\_\_\_\_ ۱۸- برای عیسی چه اتفاقی افتاد؟

\_\_\_\_\_ ۱۹- آنها از یکدیگر چه سوالی کردند؟ (آیه ۳۲)

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ ۲۰- داستانی برای گفتن داشتند! چه کردند؟ (آیه ۳۳)

\_\_\_\_\_ ۲۱- چه کسانی دور هم جمع شدند؟

\_\_\_\_\_ ۲۲- افرادی که دور هم جمع شدند چه گفتند؟ (آیه ۳۴)

\_\_\_\_\_ ۲۳- آن دو نفر که از راه عموآس آمدند چه حکایتی داشتند؟ (آیه ۳۵)

\_\_\_\_\_ الف.

\_\_\_\_\_ ب.

### بخش ۳

#### بازتاب:

۱- به آسانی می‌توان تصور نمود که این دو شاگرد با هم راه می‌روند و دربارهٔ وقایع چند روز گذشته گفتگو می‌کنند. برای آنها هیچ چیز مهم‌تر از رنج و مرگی که استادشان تحمل نمود، وجود نداشت. و حالا مسائل پیچیده‌تر می‌شود که گزارش دادند قبر خالی است و بدن استاد آنجا نیست. زنان بدن عیسی را در قبر نیافتند. پطرس و یوحنا به دیدن قبر رفتند تا آنچه را که زنان گزارش دادند تایید کنند و آنها نیز قبر را خالی یافتند. آیا رنج و مرگ عیسی همه‌اش دربارهٔ بدن او بود و حال حقیقت این است که بدنش نیز از دست رفته است؟ آیا گفتگوی همه در این مورد بود؟ فرشته دربارهٔ چه چیزی صحبت کرده بود؟ (لوقا ۲۴: ۵-۶)

شما به چه می‌اندیشید؟

۲- فکر می‌کنید اگر با این مردان راه می‌رفتید دربارهٔ چه چیزی صحبت می‌کردید؟

#### کاربرد:

۱- آیا وقایع و اتفاقات زندگی من، مرا از دیدن عیسی باز می‌دارد؟ زمانی را در نظر آورید که در اتفاقات زندگی خود چنان غرق شدید که نتوانستید عیسی را ببینید و بشناسید:

۲- چه انتظاراتی از عیسی دارم؟ از عیسی انتظار دارم در مورد من، خانواده‌ام و دوستانم چه کار کند؟

انتظار دارم در مورد پیروانش چه کند؟

چگونه انتظاراتی که از عیسی دارم مانع می‌شود که عیسی را آنطور که هست ببینم؟



۳- مردم انتظار داشتند بدن عیسی را در قبر ببینند. من کجا در جستجوی عیسی هستم؟ کجا امیدوارم او را بیابم؟ \_\_\_\_\_

---

۴- عیسی به شاگردانش گفت که او را کجا خواهند یافت؟ (لوقا ۲۴: ۲۷) \_\_\_\_\_

---

## بخش ۴

### بازتاب:

۱- هنگام عصر که به عموآس رسیدند از عیسی دعوت کردند که با آنها شام بخورد. آیه ۲۹ می گوید که «با اصرار او را دعوت کردند». مهمان‌نوازی در مورد بیگانه می‌تواند برکاتی در بر داشته باشد.

الف. پولس رسول ما را با کلمات تشویق می‌نماید: «\_\_\_\_\_»

\_\_\_\_\_ (رومیان ۱۲: ۱۳).

ب. در عبرانیان ۱۳: ۲ گفته می‌شود «\_\_\_\_\_ نکنید که به بیگانگان \_\_\_\_\_»

نشان دهی. زیرا بعضی با این کار \_\_\_\_\_ دارند، فرشتگان \_\_\_\_\_.»

۲- عیسی آماده بود که خود را به این مردان بشناساند. وقتی با آنها سر سفره بود،

الف. او \_\_\_\_\_

ب. \_\_\_\_\_

پ. و \_\_\_\_\_ به آنها داد.

۳- اتفاقات زیادی در تمام روز روی داده بود اما عیسی می‌خواست که آنها یک اتفاق دیگر را تجربه نمایند. در سر سفره چه

اتفاقی افتاد؟ (آیه ۳۱) «آنها \_\_\_\_\_ بودند \_\_\_\_\_ ، و آنها \_\_\_\_\_»

او را. و او \_\_\_\_\_ از \_\_\_\_\_ آنها. آنها شخصا با عیسی، خدای زنده روبرو شدند.

### پرسش‌های کاربردی:

۱- چه احساسی است که هنگامی که او با من گفتگو می‌کند، و آیات کلام را برای من باز می‌کند، قلبم به طپش می‌افتد؟

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۲- چه تغییراتی می‌توانم در زندگی‌ام به وجود بیاورم که «طپش قلبم» را بیشتر تجربه نمایم؟

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

**دعا:** خدای قدوس، تو رستاخیز هستی. تو همان کسی هستی که پدر فرستاد تا اسرائیل را نجات بخشی. تو همان هستی که پدر فرستاد تا مرا نجات دهد. با کلامت چشمانم را بگشا تا تو را ببینم و قلب مرا درونم مشتعل ساز. به من قوت و شهامت عطا کن که این حقیقت را که تو از مردگان قیام کردی به دیگران بگویم. باشد که هرگز پرستش و شکرگزاریم از تو کاهش نیابد.

---

---

---

---

## درس پنجم

# من تو را می فرستم

یوحنا ۲۰: ۱۹-۲۳ - عیسی، آرامش من

---

### بررسی اجمالی درس ۵

بررسی

مقدمه

درس ۵: یوحنا ۲۰: ۱۹-۲۳

- برای ترس از یهودیان
- عیسی ظاهر می شود
- هدیه صلح و آرامش او
- هدیه نقشه او
- هدیه قدرت او
- هدیه هدف او

مقدمه